

کارشناسان "تحریریم" مفسران "جنبش" شده اند!

(ص ۳۶)

درسی که مردم به حکومت و اپوزسیون یکجا دادند!

در حاشیه مقاله افشاگرانه

"فرخ نگهدار" تلنگر ۲۰ میلیونی

(ص ۱۲)

بحث "اتحاد" در دو انتخابات فرانسه و ایران

(ص ۶)

چرا "چپ" در مهاجرت غافلگیر شد؟

(ص ۲۱)

اجلاس جهانی بررسی "تولیرالیسم"

(ص ۲۴)

متن برنامه دولت خاتمی که
در ۴ صفحه منتشر شده بود!

برنامه دولت خاتمی که مردم به آن رای دادند

(صفحات ۱۰-۷)

راه توده

۳۶ صفحه

شماره ۱۱، تیر ۱۳۷۶

بازندگان انتخابات باید کنار بروند!

در انتخابات اخیر ریاست جمهوری در ایران، مردم تنها رئیس جمهور انتخاب نکردند، بلکه جمعی از بلند پایگان جمهوری اسلامی را نیز به همراه کاندیدای آنها برای ریاست جمهوری "ناطق نوری" طرد کردند! این طرد شدگان هیچگونه مشروعیتی در میان اکثریت قاطع مردم ندارند. بنابراین، امروز در ایران بحث پیرامون ترکیب دولت آینده، در عین حال که اهمیت خود را دارد، اما هرگز نباید موجب فراموشی خواست مردم برای برکناری طرد شدگان انتخابات اخیر از قدرت شود.

آن اکثریت شورای نگهبان که از هیچ کوششی و توطئه و تخریبی برای تحمیل ریاست جمهوری به مردم کوتاهی نکرد و سختگویان و گردانندگان آن، از جمله "آیت الله جنتی"، "آیت الله کاشانی"، "آیت الله خزعلی" برای مردم تکلیف روشن کردند و در خطبه های نماز جمعه و در سخنرانی های انتخاباتی خود، مردم را به پیروی از آن فرا خواندند، چگونه و بر اساس کدام معیار می توانند همچنان در همان مقامات باقی مانده و باز هم روزهای جمعه برای مردم موعظه کنند و درین سیاست و دین بدهند؟ کی آنها را قبول دارد؟

رئیس قوه قضائیه، که بعنوان دلال و واسطه سیاسی بین "مؤلفه اسلامی" و "مدرسین حوزه علمیه قم" عمل کرد و در عین دخالت در قوه اجرائیه مملکت چشم بر همه تخلفات و توطئه ها بست و خود یکی از بازندگان انتخابات اخیر است، بر اساس کدام معیار و سنجشی می تواند در مقام خود باقی بماند و باز هم در نماز جمعه ها حاضر شده و چشم مردم، آنتانی را که طرد کردند، نصیحت قضائی کند و پیرامون اختیارات مطلق ولی فقیه در جمهوری اسلامی داد سخن بدهد؟ اگر خیر، او را مردم قبول داشتند، که کاندیدای ریاست جمهوری اش را طرد نمی کردند! هيات رئیسه مجلس اسلامی، مرکب است از "ناطق نوری"، کاندیدای شکست خورده انتخابات، که حتی در تهران ۲۰۰ هزار رای کمتر از انتخابات یکسال پیش مجلس آورد، مهندس باهنر، عضو رهبری مؤلفه اسلامی، که تمام کارهای تبلیغاتی ناطق نوری را اداره می کرد، آیت الله موحدی کرمانی، نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران که برای پیروزی ناطق نوری بخشنامه نظامی صادر کرد و بسیج را موظف به رای دادن به ناطق نوری اعلام داشت. کدام مصلحت اندیشی برتر از خواست و اراده مردم برای طرد این جمع موجب شده است، تا آنها همچنان بر کرسی ریاست مجلس تکیه بزنند؟

ستاد نماز جمعه، با صدور بخشنامه ای خطاب به همه امام جمعه ها در سراسر ایران از آنها خواسته بود، تا برای ناطق نوری تبلیغ کنند و آنها نیز چنین کرده اند. مردم صادر کنندگان و مجریان این بخشنامه را طرد کرده اند، بنابراین چگونه این ستاد و این امام جمعه ها همچنان می خواهند سکاندار خطبه و نماز و سیاست گذاری از طریق نماز جمعه ها باشند؟

باقی ماندن امثال آیت الله کنی، حبیبت الله عسکروالادی (دبیرکل مؤلفه اسلامی)، مرتضی نبوی (مدیر مسئول روزنامه رسالت) و دیگر طرد شدگان انتخابات اخیر، که با همه توان برای پیروزی ناطق نوری کوشیدند، در ترکیب شورای مصلحت نظام، بر اساس کدام ضابطه و معیار و قانون و سنجش افکار عمومی صورت گرفته است؟ تکلیف مذهبی و میزان پذیرش فتوای مذهبی مدرسین حوزه علمیه قم و روحانیون عضو جامعه روحانیت مبارز تهران، با خود روحانوتی است که همدیگر را آیت الله و مجتهد می شناسند و یا نمی شناسند. مردم فتوای آنها را به هیچ گرفته اند؛ و همه آنها شکست سیاسی خورده اند و مانند یک حزب سیاسی انتخابات را باخته اند. تغییر ترکیب رهبری و سیاست و یا ادامه رهبری و سیاست این سازمان ها، با خود این شکل هاست، اما کدام معیار و سنجشی اجازه می دهد، که این شکست خورده ها همچنان در مقامات حکومتی خود باقی بمانند و به مردم دهن کجی کنند؟ همه آنها، انتخابات را باخته اند و به همراه آن فرماندهان نظامی سپاه و بسیج، که آشکارا نقش صحابه "مؤلفه اسلامی"، "بازار" و "جامعه روحانیت مبارز" را ایفاء کردند و در انتخابات از "ناطق نوری" حمایت کردند، صحنه حکومتی را باید ترک کنند.

برقراری جامعه مدنی و استقرار قانون در جامعه، تنها این نیست که حقوق سلب شده مردم را بتدریج به آنها باز گردانند، بلکه در محدود کردن اختیارات غیر قانونی حکومت کنندگان در چارچوب قانون نیز هست! پیروزی مردم در انتخابات اخیر، تنها در این خلاصه نمی شود، که سید محمد خاتمی، همراه کابینه ای جدید سکان امور اجرائی را بدست گیرد، بلکه برکناری طرد شدگان انتخابات از مقامات و مسئولیت های کلیدی مملکت را نیز شامل می شود. جنبش مردم از این مسیر حرکت می کند. آنگس که با مردم اسپه، در مسیر حرکت می کند و آنگس که نیست، هر چند که داعیه رهبری مردم را نیز داشته باشد، در برابر مردم است! (پیرامون مقام قانونی و اختیارات غیر قانونی- ولی فقیه" صفحه ۲ را بخوانید!)